

بسم الله الرحمن الرحيم

۱۳۹۵/۰۹/۱۵

مشروعیت تقیه از دیدگاه تابعین

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین و هو خیر ناصر و معین الحمد لله و الصلاة علی رسول الله و علی آله آل الله لا سیما علی مولانا بقیة الله و اللعن الدائم علی أعدائهم أعداء الله الی یوم لقاء الله بحث در زمینه اقوال صحابه در رابطه با تقیه بود که دیروز مفصل در مورد شخصیت «ابو موسی اشعری» صحبت کردیم و بیان کردیم که ایشان از دیدگاه اهل سنت و هم از دیدگاه شیعه چه جایگاهی دارد.

در زمینه تقیه، روایاتی که از «ابن عباس» و دیگران بیان کردیم مبنی بر اینکه تقیه یک قضیه دینی و اسلامی است، قضیه را کاملاً روشن می کند. عرض کردیم که تعبیر «ابو موسی اشعری» هم در مورد تقیه این بود:

«إِنَّا لَنَكْشِرُ فِي وُجُوهِ أَقْوَامٍ وَإِنَّ قُلُوبَنَا لَتَلْعَنُهُمْ»

ما در ظاهر به صورت بعضی افراد می خندیم و قلبمان آن ها را لعنت می کند.

الجامع الصحیح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعیل أبو عبدالله البخاری الجعفی، دار النشر: دار

ابن کثیر، الیمامة - بیروت - ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷، الطبعة: الثالثة، تحقیق: د. مصطفی دیب البغا، ج ۵، ص

۲۲۷۱، باب المڈازاة مع الناس

امثال این روایت از رسول گرامی اسلام هم بیان شده است.

مشروعیت تقیه از دیدگاه تابعین

۱- «مکحول بن ابی مسلم هذلی»

اما در رابطه با تابعین، افراد زیادی را سراغ داریم که این افراد در رابطه با تقیه عبارات صریحی دارند. یکی از این افراد «مکحول بن ابی مسلم هذلی» است که از او به «محدث فقیه حافظ عالم أهل الشام» تعبیر می‌کنند.

تعبیر ایشان از تقیه این است:

«ذل من لا تقية له»

کسی که تقیه را رعایت نکند، تن به ذلت داده است.

طبقات المحدثين بأصبهان والواردين عليها ، اسم المؤلف: عبدالله بن محمد بن جعفر بن حيان أبو محمد الأنصاري، دار النشر: مؤسسة الرسالة - بيروت - ١٤١٢ - ١٩٩٢، الطبعة: الثانية، تحقيق: عبدالغفور عبدالحق حسين البلوشي؛ ج ٤، ص ١٧٦، ش ٦٠٥

واضح‌تر از این مطلب دیگر نمی‌توان مطرح کرد. حال ما یک بحث جدایی هم خواهیم داشت که منظورش تقیه از مسلمان است، نه تقیه از کافر! در این زمینه تعبیر از رسول گرامی اسلام داشتیم که فرمودند:

«لَا يَتَّبِعِي لِمُؤْمِنٍ أَنْ يَذِلَّ نَفْسَهُ»

شایسته مؤمن نیست که خویشتن را خوار کند.

المعجم الكبير، اسم المؤلف: سليمان بن أحمد بن أيوب أبو القاسم الطبراني، دار النشر: مكتبة الزهراء - الموصل - ١٤٠٤ - ١٩٨٣، الطبعة: الثانية، تحقيق: حمدي بن عبدالمجيد السلفي، ج ١٢، ص ٤٠٨، ح

١٣٥٠٧

٢- «حسن بصری»

همچنین «حسن بصری» متوفای ۱۱۰ هجری که یکی از تقویت کنندگان پایه‌های حکومت بنی‌امیه و آخوندی درباری بود، در این مورد چنین تعبیر می‌کند:

«التَّقِيَةُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»

تقیه مقطعی نیست و تا روز قیامت ادامه دارد.

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار النشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت - ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج ۶، ص ۲۵۴۵، باب ۹۳ كتاب الإكراه

«ابن ابی شیبہ» متوفای ۳۲۵ هجری در تعبیر دیگری می‌گوید:

«التقية جائزة للمؤمن إلى يوم القيامة»

تقیه تا قیامت برای مؤمن جایز است.

الكتاب المصنف في الأحاديث والآثار، اسم المؤلف: أبو بكر عبد الله بن محمد بن أبي شيبة الكوفي، دار النشر: مكتبة الرشد - الرياض - ۱۴۰۹، الطبعة: الأولى، تحقيق: كمال يوسف الحوت، ج ۶، ص ۴۷۴، ح ۳۳۰۴۲

«ابن حجر عسقلانی» در کتاب «فتح الباری» جلد ۱۲ صفحه ۲۷۹ و «سرخسی حنفی» در کتاب «المبسوط» جلد ۲۴ صفحه ۴۵ همین عبارت «حسن بصری» را بیان می‌کنند.

در رابطه با «حسن بصری» هم حرف‌های زیادی داریم که ان‌شاءالله در بخش‌های بعدی نسبت به ایشان بحث خواهیم کرد.

۳- «میمون بن مهران»

همچنین «میمون بن مهران» متوفای ۱۱۷ هجری در تعبیری می‌گوید:

«كان جالسا و عنده رجل من قراء أهل الشام فقال إن الكذب في بعض المواطنين خير من الصدق»

با مردی از اهل شام نشستیم که میمون بن مهران گفت: در بعضی موارد دروغ گفتن بهتر از راست گویی است.

«فقال الشامي لا الصدق في كل موطن خير»

مرد شامی گفت: اینطور نیست. صدق در همه موارد خوب باشد.

«فقال میمون أرأيت لو رأيت رجلا يسعي وآخر يتبعه بالسيف فدخل الدار فأنتهى إليك»

میمون بن مهران گفت: اگر ببینیم کسی شمشیر به دست گرفته است و به دنبال مردی است و این مرد از ترس کشته شدن به منزل تو آمد،

«فقال أرأيت الرجل»

آیا این مرد را در منزل خود مشاهده می‌کنی؟!

«ما كنت قائلًا»

آیا حاضری به مردی که شمشیر در دست دارد بگویی شخصی که دنبالش هستی در منزل من مخفی شده است؟!!

«قال كنت أقول لا»

گفت: من هرگز حاضر نیستم چنین حرفی را بزنم.

«قال فذاک»

بنابراین راست گفتن در همه جا به صلاح و خیر نیست.

تاریخ مدینه دمشق و ذکر فضلها و تسمیه من حلها من الأمائل، اسم المؤلف: أبو القاسم علی بن

الحسن ابن هبة الله بن عبد الله الشافعی، دار النشر: دار الفكر - بیروت - ۱۹۹۵، تحقیق: محب الدین

أبی سعید عمر بن غرامة العمری، ج ۶۱، ص ۳۶۶، ح ۷۸۰۶

در مورد این روایت به صراحت وارد شده است که بحث کافر و کفر نیست، بلکه تقیه از مسلم است. این بحث همان بحثی است که ائمه طاهرین (علیهم السلام) و فقهای شیعه مطرح می‌کنند.

این روایت علاوه بر کتاب «تاریخ مدینه دمشق»، در کتاب «تهذیب الکمال» اثر «المزی» متوفای ۸۴۲ هجری جلد ۲۹ صفحه ۲۲۳ وارد شده است.

این موارد، نمونه‌هایی از تقیه است که شما ملاحظه می‌فرمایید. امروزه وهابیت یا بعضی اهل سنت تندرو، شیعه را به تقیه متهم می‌کنند و تقیه را به عنوان نفاق معرفی می‌کنند. اگر شما صحبت‌های کارشناسان وهابی را در شبکه‌هایشان نگاه کنید، می‌گویید: "شیعه واقعی «اللهیاری» است که علناً به اهل سنت و مقدساتشان ناسزا می‌گوید، شیعه واقعی «یاسر الحبیب» است که هرروز به عایشه و عمر و ابوبکر ناسزا می‌گوید. ولی مراجع قم شیعه واقعی نیستند؛ این افراد منافق هستند. مراجع قم ظاهراً به مردم می‌گویند فحش ندهید، اما در باطن به صحابه فحش می‌دهند و آنان را لعنت می‌کنند."

دوستان دقت داشته باشند که یکی از مشکلاتی که ما الآن داریم و جا دارد روی آن کار شود و تا به حال روی آن کار نشده است، بحث "تکفیر در منابع شیعه" است. چندی پیش یکی از طلبه‌هایی که در دانشگاه ادیان درس می‌خواند، این موضوع را برای رساله دکترا انتخاب کرده بود و زنگ زد و با من مشورت می‌کرد.

روشن و واضح است که در زمان گذشته مخصوصاً در زمان صفوی‌ها، دولت شیعه مبسوط الید بوده است و اهل سنت را در ایران تارومار کردند. در مورد اینکه این مسئله چه عوارضی داشته است، امروز چه عوارضی دارد و نتیجه آن چه فشارهایی به وجود آورد؛ باید کار بشود. نتیجه این امر، فشارهایی برای شیعیان در افغانستان به وجود آورد تا جایی که زنان و دختران شیعه را به اسارت می‌گرفتند و در آسیای میانه می‌فروختند!

این افراد روی زنان و دختران شیعه طبق سن و سالشان قیمت می‌گذاشتند و می‌فروختند. و همچنین این اقدام صفوی‌ها در دیگر کشورهای آسیای میانه از جمله تاجیکستان، گرجستان و ارمنستان اثرات منفی داشت.

البته از طرف دیگر، جنایاتی که دولت عثمانی داشت، و بلاهایی که بر سر شیعیان آورد، مخفی شدنی نیست.

آنچه در حال حاضر مشکل است و باید روی آن کار کرد و من ندیدم کسی خوب روی این مسئله کار کرده باشد و خوب حق مطلب را ادا کرده باشد؛ روایاتی است که از ائمه طاهرین (علیهم السلام) در کتب روایی مخصوصاً کتاب «بحارالانوار» جمع شده است.

در این روایات به صراحت اسم خلفا مقرون به «لعنت الله علیه» یا «لعنه الله» می‌آید. حال این تعابیر از ائمه طاهرین (علیهم السلام) است یا مرحوم «علامه مجلسی» این تعابیر را اضافه کرده است، ما نمی‌دانیم. اینکه در خیلی جاها خود علامه مجلسی این موارد را به آن اضافه کرده است، در او هیچ شک و شبهه‌ای نیست؛ اما ایشان بعضی از روایاتی را نقل می‌کند که به ظاهر کلام معصوم است و کلمه لعن و سب در آن به کار رفته است و امروزه این روایات دستمایه وهابیت شده است.

چند سال پیش در مصر کتابی تحت عنوان «الشیعه و التکفیر» در چند صد صفحه نوشته شده است که تمام اقوال علمای شیعه را از زمان «شیخ مفید» و «سید مرتضی» تا فرمایشات آقای «خوئی» و «امام خمینی» (رضوان الله علیهم اجمعین) را ذکر کرده است.

در این کتاب در مورد اینکه این افراد چه مبنای تکفیری یا بحث لعنی داشتند، بحث شده است. مخصوصاً عبارت‌هایی از امام راحل (رضوان الله تعالی علیه) نسبت به مخالفین که بسیار تند هم هست، مواردی ذکر شده است.

اگر ما بیاییم فرمایشات «علامه مجلسی» یا «شیخ مفید» را توجیه کنیم، فرمایشات بزرگواران اخیر توجیه شدنی نیست!!

این مطالب، بحث‌هایی است که کار کردن روی آنها ضروری است. یعنی جوانان و طلاب ما باید برای این مسائل پاسخ‌هایی داشته باشند. اینگونه نباشد زمانی که وهابی‌ها این مطالب را نقل کردند، ما سرمان را پایین بیندازیم و بگوییم بزرگانمان اشتباه کردند!!

بحث اشتباه کردن نیست!! ما نه تنها به قیمت وحدت بلکه به هیچ قیمتی حاضر نیستیم مراجع و بزرگانمان از جمله آقای «خوئی»، «امام خمینی»، «شیخ مفید» و دیگران را تخطئه کنیم!!

ما باید ببینیم جواب این افراد چیست تا به آنان بدهیم. ان شاء الله اگر فرصتی بشود شاید در چندین جلسه اقوالی در همین زمینه که از بزرگان نقل شده را دسته بندی کنیم و روایات را نیز بررسی سندی کنیم.

بنده تا به حال به روایت صحیحی در رابطه با بحث لعن ائمه طاهرین (علیهم السلام) نسبت به خلفا و صحابه برخورد نکردم. روایات زیاد است، اما بنده به روایتی که از نظر سندی صحیح باشد برخورد نکردم.

بنده غیر از عبارتی که در کتاب «تهذیب» اثر «شیخ طوسی» جلد دوم صفحه ۳۲۱ که می‌گوید:

«سَمِعْنَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ وَهُوَ يُلْعَنُ فِي ذُبُرِ كُلِّ مَكْتُوبَةٍ أُزْبَعَتْ مِنَ الرِّجَالِ وَ أُزْبَعاً مِنَ النِّسَاءِ»

تهذيب الأحكام، نویسنده: طوسی، محمد بن الحسن، محقق / مصحح: خراسان، حسن الموسوی، ج ۲،

ص ۳۲۱، ح ۱۶۹

روایت دیگری مشاهده نکردم. این روایت از نظر سندی صحیح است، «کافی» هم این روایت را بیان کرده است که سند آن صحیح نیست. فقهای ما از جمله «مرحوم مقدس اردبیلی» در کتاب «مجمع الفائدة و البرهان» طبق این روایت فتوا داده‌اند.

بنده تنها روایت صحیحی که مشاهده کردم، همین روایت بود که در این روایت هم، عبارت «فِي ذُبُرِ كُلِّ مَكْتُوبَةٍ» وارد شده است که معنای آن بعد از هر نماز واجب است؛ نه بالای منبر، نه در مسجد، نه در حسینیه، نه در کوچه، نه در بازار، نه در ماهواره!!

شاید منشأ بحث لعن علنی که آقایان معتقدند حرام است، همین باشد.

سؤال: حتماً حضرت علناً لعن کرده اند که اصحاب شنیده اند و نقل کرده اند!

پاسخ: دقت کنید بعضی اصحاب همانند «زراره»، «محمد بن مسلم»، «جمیل بن دراج» و «أبان بن تغلب» اصحاب سرّ ائمه طاهرين (عليهم السلام) بودند که با آن حضرت جلسات خصوصی داشتند.

بعضی از این بزرگواران از جمله «أبان بن تغلب» خدمت امام صادق عرض می کند: "به قدری روایت در سینه دارم که نمی‌توانم آن را به کسی بگویم و این باعث شده است که سینه‌ام سنگین شود!!"

امام صادق (علیه السلام) به ایشان فرمودند: برای اینکه عقده دل خود را خالی کنی، به بیابان برو و چاله‌ای بکن و سرت را درون چاله فرو ببر و احادیث را با چاه بگو.

مشخص است که این افراد مطالبی از ائمه طاهرين (عليهم السلام) داشتند که نمی‌توانستند آن را بیان کنند و به دست ما هم نرسیده است. حالا در بعضی از موارد، مطالبی به دست ما رسیده است، بحث دیگری است.

اما آنچه مهم است و باید دقت کنیم این است که ما در مقابل این نقل قول‌ها از علما و بزرگانمان، یک جواب نقضی داریم و یک جواب حلی باید بیابیم. ما در عربستان سعودی، در بحث‌ها و مناظرات که با این افراد درگیر می‌شدیم و این افراد زمانی که دیگر جوابی برای گفتن پیدا نمی‌کردند، مطالب و اظهار نظر مراجع ما را مطرح می‌کردند.

جواب نقضی این افراد این است که در حال حاضر بسیاری از فقهای اهل سنت فتوا دادند:

«من أنکر خلافة أبي بكر و عمر فهو کافر»

شما چه جوابی از این کلام دارید؟ ما هم در مورد ائمه همان جواب را داریم.

هر جوابی که این افراد در مورد این فتوای بزرگانشان دادند، ما هم در مورد فتوای بزرگانمان خواهیم داد. اگر بزرگان ما چنین فتوایی دادند، بزرگان شما هم چنین فتوایی دادند. این مسئله مربوط به گذشته است و نباید این مطالب را نبش قبر کنیم.

به قول معروف بر گذشته‌ها صلوات بفرستیم و ببینیم امروز باید چکار کنیم. امروز که کفر جهانی و نفاق بین المللی به دنبال این است که اسلام و مسلمین را از بین ببرد، باید چکار کنیم!؟

امروزه آمریکا و صهیونیسم با همان سلاحی که شیعه را می‌کشد، سنی را هم می‌کشد؛ به همان روشی که سنی را سرکوب می‌کند، شیعه را هم سرکوب می‌کند. ما باید از گذشته‌ها دست برداریم و یک راه حل جدیدی را ارائه بدهیم.

اگر قرار باشد این مطالب را نبش قبر کنیم، در قبرهای شما بیش از قبرهای شیعه مرده وجود دارد. بزرگان شما از جمله «شافعی»، «مالک» و «احمد بن حنبل» به صراحت مطالبی در کفر شیعه بیان کرده‌اند!

این افراد به صراحت روایاتی نقل کرده‌اند مبنی بر اینکه رسول الله فرمودند قومی با نام «رافضه» خواهند آمد، هرکسی آنان را بکشد پیش خداوند اجر دارد. و مانند این روایات!!

نکته سوم؛ در گذشته، اهل سنت به استناد فتاوی فقهای خودشان شیعه را کشتند، اما سابقه ندارد در طول این چهارده قرن، شیعه ای به استناد فتوای فقهای سنی را کشته باشد. سابقه ندارد شیعه به دلیل اینکه شخصی سنی و کافر است، او را کشته باشد.

اقدامات صفویان هیچ ارتباطی به شیعه ندارد و مراجع ما هم اقدامات آنان را تأیید نکرده‌اند. این افراد گفتند: سیاست ما در داخل کشور این است که یا از کشور بیرون بروید و یا مذهب تشیع را انتخاب کنید! صفویان نگفتند که به دلیل اینکه شما سنی هستید، کافر یا واجب القتل هستید.

تعدادی از اهل سنت هجرت کردند، تعدادی تغییر مذهب دادند و تعدادی هم در برابر حکومت ایستادند.

این بحث، بحثی سیاسی بود و صفویه هم نگفتند که چون «شیخ مفید»، «شیخ بهایی» یا «محقق کرکی» گفته است، ما این کار را می‌کنیم و عملکرد خودشان را مستند به فتاوی فقهای معاصر هم نکردند!

نکته چهارم؛ شما می‌فرمایید صحابه اجتهاد کردند، فقهای ما اجتهاد کردند و گفتند: «من أنکر خلافة أبي بكر فهو کافر»، «من سب أبابکر فهو یقتل» یا «من سب عمر فهو یقتل».

«طلحه» و «زبیر» اجتهاد کردند و در جنگ جمل سی هزار مسلمان را کشتند، «معاویه» اجتهاد کرد و در جنگ صفین صد و ده هزار مسلمان را کشت. نهایتاً فقهای ما هم اگر فتوا دادند، اجتهاد کردند!!

نهایتاً ما می‌گوییم که بزرگان ما در اجتهادشان خطا کردند و شما هم معتقدید:

«وإذا حكم فأخطأ فله أجر واحد»

سنن الترمذی، ناشر: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع - بيروت - لبنان، ج ۲، ص ۳۹۳

بنابراین شما نمی‌توانید بر ما خرده بگیرید؛ این افراد اجتهاد کردند و یک پاداش هم به خاطر اجتهادشان دارند. اگر اجتهادشان با واقع اصابت می‌کرد، دو پاداش داشتند.

شما هم زمانی که گیر می‌افتید، می‌گویید فلانی اجتهاد کرده و به جهت اینکه معصوم نبوده است، اشتباه کرده است. همان‌طوری که نسبت به فقها و بزرگانان می‌گویید: اجتهاد کردند، معصوم نبودند و اشتباه کردند؛ همان را هم نسبت به فقهای شیعه داشته باشید!

این در حقیقت یک جواب اجمالی است که ما همیشه باید این جواب‌ها را در خاطر داشته باشیم.

وجوب حضور طلاب در فضای مجازی، از وجوب نماز بالاتر است!

نکته دیگری که وجود دارد، این است که حضور عزیزان باید مقداری در فضای مجازی بیشتر باشد. در حال حاضر فضای مجازی بیداد می‌کند و از رسانه‌ها چندین قدم فراتر نهاده است. رسانه عبارت از ماهواره است که شاید بیننده ای مطلب را ببیند، شاید هم نبیند. و اگر هم ببیند بعد از چندین ساعت فراموش کند.

ولی در فضای مجازی مطالبی که رد و بدل می‌شود همیشه وجود دارد، شخص این مطالب را ده‌ها بار مطالعه می‌کند و برای ده‌ها نفر نقل می‌کند. در حال حاضر خطر بعضی بچه شیعه‌هایی که در فضای مجازی کار می‌کند، هزاران برابر از «اللهیاری» و «یاسر الحبیب» بیشتر است!!

این افراد بعضاً مطالبی را مطرح می‌کنند که واقعاً شرم‌آور است. بنده به عنوان یک طلبه حوزه اصلاً خجالت می‌کشم این مطالب را مطرح کنم؛ درحالی‌که خودشان را هم محق می‌دانند. آدم نمی‌داند با این افراد چکار کند و تکلیف ما با این افراد چیست!

یکی از همین بچه شیعه‌ها که می‌گوید پدرم روحانی است، برادرم روحانی است و خانواده مذهبی هستیم؛ در تلگرام گروهی به نام «خیمه‌گاه حضرت ابوالفضل» راه اندازی کرده است و کانالی هم به نام «منهاج البدعة الأمویة» دارند.

بنده چند شب پیش نزدیک یک ساعت با ایشان چت کردم. ابتدا خودم را معرفی نکردم، اما نحوه ادبیات ما طوری بود که او مرا شناخت و حدس زد چه کسی هستم. بنده به او گفتم: کارهایی که شما می‌کنید، خلاف نظر ائمه طاهرین و خلاف نظر مراجع است.

دیدم او اصلاً حرف گوش نمی‌کرد که در نهایت به او گفتم: شما بنای لجاجت دارید، من با شما کاری ندارم و ارتباطم را با شما قطع می‌کنم. گفت: شما را به خدا به ما سر بزنید. متأسفانه شما می‌بینید که این آقا وقیح‌ترین توهین‌ها را به مقدسات اهل سنت کرده است. من نمی‌دانم این چه منطقی است؟! این افراد عقیده دارند که ما مدافع اهل بیت (علیهم السلام) هستیم، مدافع شیعه هستیم؛ ما نمی‌دانیم این افراد چطور مدافعی هستند!!

جالب این است که بچه شیعه‌های ما در فضای مجازی طوری به جان هم افتادند که با این شدت به جان وهابیت نیفتادند!! آقایان با تعدادی از افراد، شروع کردند که ای اهل سنت! آقای فلان به عایشه توهین کرده است، بی‌آئید از مادرتان دفاع کنید!!

واقعاً عجیب است و انسان مبهوت می‌ماند. مگه آقای فلان چه گفته است؟! گفته است: اقدام عایشه که در برابر امیرالمؤمنین قیام کرده است، فسق است. آن‌ها با داد و بیداد و تبلیغات می‌گویند که ای اهل سنت! به مادرتان عایشه فاسق گفتند، از او دفاع کنید!!

خود او در جایی به صورت وقیح به عایشه توهین کرده است، اما به جهت اینکه شیعه را در طرف دیگر بکوبد این مطالب را بیان می‌کند. من نمی‌دانم این چه دردی است که ما خودمان را محق و معصوم می‌دانیم و هرکاری هم انجام می‌دهیم خیال می‌کنیم مطابق با واقع است و دیگران را تخطئه می‌کنیم.

درگیری‌هایی که امروزه میان بچه شیعه‌ها در فضای مجازی وجود دارد، واقعاً دردآور است!! ما هرچه خواستیم این افراد را در یک جا جمع کنیم، نتوانستیم. شما ببینید بچه‌های «ندای شیعه» با بچه‌های «مناظره دوستانه» درافتادند. این در حالی است که هر دو طیف این افراد طلبه حوزه هستند و دارند خوب کار می‌کنند. حالا در فضای مجازی غالباً تندی هم دارند.

تنها کانالی که مشاهده کردم تندی کمتری دارد، کانال «منهاج البدعة» مربوط به یکی از طلاب است که هم علمی کار می‌کند و هم مؤدب کار می‌کند. نمی‌توان گفت این فرد مؤدب به تمام معناست، اما بی‌ادبی‌های او از دیگران کمتر است!

همان‌طور که مقام معظم رهبری هم چندین بار تأکید داشتند، بنده هم معتقدم که حضور طلبه‌ها در فضای مجازی از اوجب واجبات است. اگر از بنده سؤال کنید و نظر بنده مورد تأیید شما باشد، حضور شما در فضای مجازی از وجوب نماز بالاتر است!!

اگر بنا باشد برای ترک نماز ده شلاق به شما طلبه‌ها بزنند، برای ترک حضور در فضای مجازی باید سی شلاق به شما بزنند؛ زیرا اولاً وهابیت در فضای مجازی بیداد می‌کند، سلفی‌ها بیداد می‌کنند. وهابیت و سلفیون با هم متحد شدند و همدیگر را تقویت می‌کنند.

وهابیت و سلفیون در یک کانال حدود پنجاه کانال دیگر را هم معرفی می‌کنند، اما بچه‌های شیعه ما در کانال‌های خودشان دیگر کانال‌ها یا گروه‌های شیعه را تخطئه می‌کنند!

در حال حاضر علمای سلفی کردستان یک کانال مفصلی با نزدیک هشت هزار عضو تشکیل دادند، زاهدانی‌ها کانالی با چند هزار عضو تشکیل دادند. این افراد همینطور در حال فعالیت و عضوگیری هستند.

بدبختی این است که بچه شیعه‌ها داخل کانال‌های وهابی می‌آیند، نمی‌توانند دفاع کنند و همین سبب تقویت و تبلیغات وهابیت می‌شود و می‌گویند: "شیعه جواب ندارد!!"

بنابراین نظر من این است که عزیزان ما برنامه ریزی کنند برای ورود جدی در فضای مجازی. بنده به آقای روستایی هم می‌گویم چندین هفته برنامه روز چهارشنبه خودشان را به ورود عزیزان در فضای مجازی اختصاص بدهند.

اگر سؤالاتی هم برای عزیزان وجود دارد، ما در خدمتشان هستیم. عزیزان می‌توانند سؤالاتشان را مطرح کنند تا به این سؤالات پاسخ داده شود. عرض کردم امروزه حضور در فضای مجازی و تقویت بنیه علمی دوستان از اوجب واجبات است.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته